

مدیریت ورزشی - تابستان ۱۴۰۰
دوره ۱۳، شماره ۲، ص: ۵۸۰-۵۶۵
تاریخ دریافت: ۰۴ / ۰۳ / ۹۸
تاریخ پذیرش: ۰۸ / ۱۱ / ۹۸

بررسی تحلیلی قوانین کشور در حوزه فعالیت‌های ورزشی زنان

ندا اسدی^۱ - فرشاد تجاری^{۲*} - زینت نیک آیین^۳

۱. مربی مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران
۲. استاد مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران
۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی قوانین مرتبط با فعالیت‌های ورزشی زنان ایران است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی و منبع اصلی مورد مطالعه قوانین جمهوری اسلامی ایران است که از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۵ وضع شده است. مطالعه قوانین نشان می‌دهد که در حوزه وضع قوانین در قانون اساسی و برخی قوانین دیگر به شکل مستقیم به فعالیت‌های ورزشی زنان اشاره نشده و قانونگذار تنها به حوزه اجتماعی پرداخته و از آنجا که تفکیک جنسیتی انجام نگرفته است، این قوانین برای همه مردم عمومی بوده و برای زن و مرد یکسان و به شکل برابر وضع شده است. اما تفکیک جنسیتی در برخی قوانین دیگر و به نفع زنان وضع شده است که در برداشت نخست به نظر می‌رسد این قوانین به سبب کمبود ضمانت اجرایی قوانین دیگر و اعمال تبعیض در اجرای قوانین، وضع شده‌اند. بنابراین در حوزه وضع قوانین می‌توان گفت دست کم با مشکل جدی روبه‌رو نیستیم، ولی در اجرای قوانین به سبب کمبود ضمانت اجرایی، ناکارآمدی مشاهده می‌شود که حتی وضع قوانین جدید و به نفع زنان نیز نمی‌تواند بهبود جدی در وضعیت فعالیت‌های ورزشی زنان ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی

تفکیک جنسیتی، زنان، ضمانت اجرایی، قانون، ورزش.

مقدمه

در نقاط مختلف جهان، به دلایل گوناگون قومیتی، دینی و مذهبی و نیز قوانین عرفی و مدنی و حکومتی، ورزش کردن برای زنان ممنوع بود. حتی برای مثال در یونان باستان، دیدن مسابقات ورزشی هم برای زنان جرم محسوب می‌شد و مجازات مرگ به‌همراه داشت (۱). ورزش زنان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران با وجود محدودیت‌هایی مانند دشواری ورود به برخی رشته‌ها و انجام آنها برای زنان، نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته است. امروز در بسیاری از رشته‌ها در عرصه بین‌المللی حضور زنان با حجاب اسلامی امری پذیرفته‌شده است و تلاش‌ها در این زمینه همچنان ادامه دارد (۲). هرچند طرح جامع ورزش کشور تدوین شده است، اما با توجه به عملکرد ورزش زنان در این حوزه به‌نظر می‌رسد که مورد توجه کافی قرار نگرفته است. فعالیت‌ها و برنامه‌ها، بدون چشم‌انداز روشن و منطقی که در سطح ملی پذیرفته شده باشند، به اجرا گذاشته می‌شوند و تحقق آرزوهای بزرگ به‌صورت تصادفی و سلیقه‌ای تعقیب می‌شود (۳، ۴).

ساختار جهان و زندگی اجتماعی آدم‌ها در طول تاریخ به‌تدریج تغییر کرده و در زمان و مکان‌های گوناگون نیازهای اجتماعی متفاوتی در روابط انسان‌ها شکل گرفته است. بنابراین مراجع، قانونگذاران و حقوقدانان در وضع قوانین مدنی باید به تحولات اساسی در روابط افراد توجه کنند تا جامعه و افراد دچار مشکلات حقوقی و هنجاری نشوند (۵). بسیاری از قوانین اجتماعی که در گذشته به‌منابۀ موانعی فعالیت‌های اجتماعی زنان را محدود کرده بود، تغییر کرده یا منسوخ شده‌اند، اما موانع غیررسمی هنوز در نوع تعاملات اجتماعی و واگذاری فرصت‌های اجتماعی نمود می‌یابد، به‌طوری‌که فعالیت‌ها و قابلیت‌های زنان را نادیده می‌گیرند یا در مواردی انکار می‌کنند.

امروزه در اغلب کشورهای جهان، زمینه و عرصه حضور زنان در بستر توسعه بر پایه تعریف همه‌سویه‌نگری و کل‌نگری توسعه فراهم شده است (۶) و زنان نه‌تنها به‌عنوان یک جنسیت، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی و تخصصی و نیز با فرصت‌هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنها قرار می‌دهد، در عرصه توسعه نقش‌آفرینی می‌کنند (۷). ایران، به‌عنوان کشوری در حال توسعه و هم‌به‌منزله جامعه‌ای که انقلاب سیاسی و اجتماعی را پشت سر گذاشته است، براساس نظریات نوسازی سیاسی، ناگزیر به استفاده از قوای انسانی و فکری همه اعضای جامعه خود (اعم از زن و مرد) است (۸). بی‌تردید افراد جامعه، قانون برنامه را شاخصی برای ارزیابی میزان

تعهد و پایبندی نهادهای قانونگذاری و اجرایی در راستای سیاست‌های نظام تلقی می‌کند و میزان تحقق برنامه‌ها را ابزاری برای سنجش کارایی و اثربخشی این نهادها می‌انگارند (۹).

با وجود پیشرفت‌های به‌دست‌آمده، وضعیت ورزش زنان، با توجه به ظرفیت و قابلیت‌های آن، هم‌اکنون در جایگاه مطلوب خود به‌ویژه در حوزه برابری جنسیتی قرار ندارد. حال پرسش مطالعه حاضر این است که آیا یکی از علل وضعیت کنونی ورزش زنان نبود یا کمبود قوانین مرتبط در این حوزه است؟ در این پژوهش توصیفی پژوهشگران تلاش می‌کنند تا به این پرسش پاسخ دهند. در این بررسی ابتدا به قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین قانون کشور پرداخته شده است. در بخش بعد قوانین عادی که توسط قوه مقننه کشور یا همان مجلس شورای اسلامی و برخی نهادها دولتی و حکومتی دیگر مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام که برنامه‌های پنج‌ساله را تدوین می‌کند، بررسی شده است. بدیهی است به‌سبب تعدد قوانین، تنها به قوانین مهمی که در حوزه فعالیت‌های ورزشی به‌طور عام و به‌طور خاص برای زنان اشاره شده، پرداخته شده است. پیش از نتیجه‌گیری دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز در حوزه انجام فعالیت‌های ورزشی زنان ایران بیان شده است. در بخش نتیجه‌گیری جمع‌بندی مباحث ارائه شده و به پرسش مطالعه پاسخ داده شده است.

روش تحقیق

این پژوهش توصیفی از نوع تفسیری است. مهم‌ترین منبع تحقیق حاضر قوانین کشور از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۵ است. محقق در این روش می‌کوشد از طریق گردآوری اطلاعات مربوط به موضوع و بررسی صحت و سقم آن اطلاعات و نیز تجزیه و تحلیل آنها به کشف حقایق مربوط به آن موضوع دست پیدا کند. قوانین مورد مطالعه به دو دسته قانون اساسی و قانون عادی تقسیم شده است. اهمیت قانون اساسی به اندازه‌ای است که هر قانون دیگری که در مخالفت با آن باشد، از درجه اعتبار ساقط است.

پیشینه تحقیق

هرچند مطالعاتی که به شکل مستقیم و جامع به موضوع پژوهش حاضر ارتباط داشته باشد مشاهده نشد، اما در اینجا به برخی پژوهش‌ها اشاره می‌شود که به بخشی از قوانین ایران یا به‌طور غیرمستقیم به حوزه ورزش زنان اشاره داشته یا به شکل کلی امور اجتماعی زنان را مطالعه کرده‌اند که ورزش را نیز می‌توان در این حوزه کلان جای داد. نتایج پژوهشی با هدف اولویت‌بندی موانع مدیریت زنان در سازمان‌های ورزشی (۱۰)، نشان می‌دهد که در بین هفده عاملی که در این پژوهش به‌عنوان موانع حضور

زنان در جایگاه‌های سازمانی مدیریتی شناسایی شدند، عامل کمبود یا ضعف قوانین وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که بستر قانونی برای مشارکت فعال زنان در حوزه مدیریتی وجود داشته، اما به نظر می‌رسد که علل ریشه‌ای برخی از عوامل شناسایی شده، مانند نبود شرایط مساوی بین زنان و مردان، تعصب و نگرش سنتی به زنان و نداشتن اعتماد مردان به مدیریت زنان، نبود یا کمبود ضمانت اجرایی قوانین موجود باشد. پژوهش دیگری که با هدف تعیین عوامل موثر در انتصاب زنان در جایگاه‌های سازمانی مدیریتی در وزارت ورزش و جوانان انجام گرفته (۱۱)، ضمن شناسایی جامعه‌پذیری جنسیتی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در انتصاب زنان، نتیجه‌گیری کرده است که زنان، به شرط فراهم شدن بستر آن می‌توانند جایگاه‌های سازمانی مدیریتی را به دست آورند. در همین زمینه، پژوهش مشابهی در خصوص موانع پیش‌روی زنان شهرستان سمنان در انجام فعالیت‌های ورزشی انجام گرفته است (۱۲). نتایج این پژوهش نیز، ضمن اینکه به حوزه نقص قوانین اشاره‌ای نداشته، بی‌توجهی مسئولان به ورزش زنان و وجود فرهنگ مردمحوری را جزء پنج مانع مهم فعالیت‌های ورزشی زنان برشمرده است. اگرچه ممکن است بیشتر عوامل شناسایی شده در این پژوهش‌ها یا مطالعات مشابه دیگر، ارتباط مستقیمی با حوزه قوانین نداشته باشد، برای آن بخش از عوامل که می‌توان این پیوند را برقرار کرد، مانند مسیر پیشرفت زنان در جایگاه‌های مدیریتی و استفاده از امکانات و تجهیزات ورزشی که در قوانین، تفکیک جنسیتی برای آن تعیین نشده و به طور منطقی زن و مرد باید از شرایط یکسانی برای بهره‌مندی از قانون قرار داشته باشند، به نظر می‌رسد که مشکل اصلی بیش از آنکه به قانون برگردد، به مجری قانون ارتباط دارد که در اینجا ضعف در ضمانت اجرایی قوانین می‌تواند به ضرر زنان جامعه تمام شود.

نتیجه پژوهشی با عنوان «جایگاه زنان در برنامه توسعه چهارم و پنجم جمهوری اسلامی ایران» (۱۳) نشان داد که زنان از وزن و جایگاه شایسته‌ای بهره‌مند نیستند و با آنچه شایسته و بایسته است، فاصله دارد. همچنین آن را در مغایرت با قانون اساسی ایران برشمرده است. اگرچه این پژوهش به طور مستقیم در حوزه ورزش زنان انجام نگرفته است، نتیجه‌گیری کلی آن شامل همه جنبه‌های حضور زنان در جامعه و از جمله حوزه ورزش نیز خواهد شد که به نظر پژوهشگران این امر می‌تواند ناشی از دیدگاه محدود برنامه‌ریزان باشد یا ریشه در نظام نهادی و باورهای اجتماعی داشته باشد. پژوهش دیگری که مناسبات ارزش‌های زیست‌جهان اقشار مختلف زنان با پذیرش نظام حقوقی مدنی را، با مصاحبه با ۲۵ نفر از استادان دانشگاه (در همه امور اجتماعی) بررسی کرده است (۵)، بیان می‌کند که بخشی از قوانین برای زنان ناعادلانه بوده و بخشی که به نفع زنان تدوین شده است، در ضمانت اجرایی مشکل دارد. در این پژوهش

نتیجه‌گیری شده است که نظام حقوقی ایران بدون توجه عمیق به تجربه زیسته و کنش ارتباطی زنان، به تدوین قوانین می‌پردازد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

قانون اساسی

از آنجا که به‌طور کلی تفکیک جنسیتی در قانون اساسی انجام نگرفته و بیشتر به امور اجتماعی به مفهوم عام آن پرداخته شده است، با استناد به همین اصول می‌توان رویکرد قانونی اساسی در حوزه فعالیت اجتماعی زنان را که امور ورزشی را نیز شامل می‌شود، برداشت کرد. در بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی به‌طور مشخص اشاره شده است که دولت جمهوری اسلامی موظف است تا انجام آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح را تسهیل کند. بنابراین رعایت موازین اسلامی تربیت بدنی زنان نیز شامل این بند می‌شود. همچنین بند ۸ همین اصل به مشارکت عامه مردم (از جمله زنان) در تعیین سرنوشت اجتماعی (از جمله امور ورزشی) خود اشاره دارد. بنابراین این اصل بر رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد، در همه زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در اصل ۲۰ قانون اساسی هم به برابری زن و مرد در تمامی امور از جمله اجتماعی که به‌طور منطقی امور ورزشی را هم شامل می‌شود، تأکید شده است. بنابراین می‌توان گفت انتخاب و انجام امور ورزشی مربوط به زنان که طبق موازین اسلامی قابل انجام باشد، درست مانند مردان حق مسلم همه زنان بوده و تصمیم‌گیری در مورد انتخاب آن به خود آنها واگذار شده است. از طرف دیگر، در اصل ۲۱ قانون اساسی به‌طور مشخص به حقوق زنان پرداخته شده، به‌طوری‌که دولت با رعایت موازین اسلامی موظف به تضمین ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زنان شده است. بنابراین آنچه از اصول قانون اساسی برمی‌آید حاکی از نبود هیچ‌گونه محدودیتی (در چارچوب موازین اسلامی) برای فعالیت‌های ورزشی زنان و نبود تفکیک جنسیتی در همه حوزه‌ها و از جمله فعالیت‌های ورزشی، است.

قانون عادی

در جهان امروز پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. هدف اصلی از پژوهش در همه نهادهای اجرایی بهبود کیفیت، کمک به تصمیم‌گیری مناسب، اتخاذ راهبردهای مناسب، حل مشکلات و کسب اعتماد در برنامه‌ریزی خرد و کلان است (۱۴). در دهه نخست بعد از انقلاب آمار کم و محدود طرح‌های پژوهشی به‌ویژه پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص مسائل زنان، به دلیل نبود اولویت

این‌گونه پژوهش‌ها در جایگاه سیاسی و تصمیم‌سازی ملی، موجب نبود پژوهش‌های زیربنایی در امر برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مسائل زنان شد (۹). طبق مصوب ۴۰۰ جلسه مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ و به‌منظور سیاست‌گذاری در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد هماهنگی‌های لازم در این زمینه، امکان ایجاد شورایی به نام شورای فرهنگی و اجتماعی زنان زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فراهم شد. از وظایف این شورا می‌توان به تدوین سیاست‌های لازم، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی برای استفاده بهتر دختران و زنان از اوقات فراغت خود (از طریق استفاده مناسب از وسایل و امکانات ورزشی، آموزشی، تفریحی، هنری، رسانه‌های همگانی و غیره) و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی برای برنامه‌ریزی اشاره کرد. هدف از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره سیاست‌های فرهنگی اجتماعی ورزش زنان کشور در سال ۱۳۷۶ فراهم آوردن زمینه دستیابی زنان به امکانات و تسهیلات و مکان‌های ورزشی در کشور با رعایت موازین اسلامی به‌منظور تأمین شادابی و سلامت جسمی و روانی زنان عنوان شده است. در نخستین سیاستی که در این مصوبه آمده، به پرهیز از اعمال سلیقه در فعالیت‌ها و محیط‌های ورزشی اشاره شده است که نشان از وجود این‌گونه اعمال سلیقه‌ها و نبود نظارت کارآمد و کافی در راستای رفع تبعیض در این حوزه دارد. همچنین در این مصوبه زنان به شرکت در فعالیت‌های تربیت بدنی با تأکید بر ورزش همگانی و ایجاد تشکیلات ورزشی تشویق شده‌اند که می‌تواند به کمبود مشارکت زنان در حوزه‌های ورزشی در مقایسه با مردان اشاره داشته باشد.

در قانون اصلاح و تکمیل سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان کشور، مصوب ۱۳۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان مطرح شد و به تصویب رسید. هدف از این مصوبه فراهم آوردن زمینه دستیابی زنان به امکانات و تسهیلات و مکان‌های ورزشی در کشور با رعایت موازین اسلامی به‌منظور تأمین شادابی و سلامت جسمی و روانی زنان است. این هدف در حالی تصویب می‌شود که تاکنون در قوانین بالادستی (قوانین عادی و اساسی) هیچ‌گاه تفکیک جنسیتی انجام نگرفته است و به همین دلیل به شکل منطقی نباید در دسترسی مردان و زنان به امکانات ورزشی تفاوتی قائل شده باشد، ولی از تدوین چنین هدفی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که دسترسی برابری بین زنان و مردان در این خصوص وجود نداشته یا به‌عبارت دیگر در اجرای قانون تبعیض وجود داشته است که در

1. <http://sccr.ir/pages/Default.aspx?current=provlistbydate>

نتیجه آن به جای آنکه ضمانت اجرایی قوانین بالادستی تقویت شود، قانونگذار، قانون‌های حمایتی از این دست وضع کرده است. به همین شکل از جمله سیاست‌های تدوین‌شده در این مصوبه پرهیز از اعمال سلیقه در فعالیت‌ها در محیط‌های ورزشی و ایجاد هماهنگی در سطوح مختلف دولتی و غیردولتی عنوان شده است که این امر هم در جهت پشتیبانی از برداشت پیش‌گفته است، به این معنا که در بخش‌های دولتی و غیردولتی به‌کارگیری سیاست‌هایی که به‌طور طبیعی و قانونی برای مردان و زنان یکسان وضع شده‌اند، بین زنان و مردان و در جهت نفع مردان نابرابری وجود داشته است. اگرچه در همین مصوبه به ارائه الگوی شایسته از فرهنگ ورزش زنان به جوامع اسلامی اشاره شده، هیچ‌گاه این امر به معنای ایجاد محدودیت‌های سلیقه‌ای و بی‌مورد برای ورزش زنان نیست و زمانی که در اجرای قانون نابرابری وجود دارد، علی‌القاعده نمی‌تواند الگوی کاملی از فرهنگ ورزش زنان تلقی شود.

هرچند در سال ۱۳۸۹ سازمان تربیت بدنی جای خود را به وزارت ورزش و جوانان داد، اما در تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه چگونگی توسعه و تعمیم ورزش کارمندان دولت که مصوب سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۷۶ آمده است که عضویت یکی از زنان کارمند هر دستگاه در کمیته امور ورزش آن دستگاه الزامی است که به‌نظر می‌رسد این امر نشان از تردید قانونگذار از این بابت که همه کرسی‌های مدیریتی در دست آقایان قرار گیرد، دارد. همچنین در ماده ۷ آیین‌نامه آمده است که برای توجه بیشتر به ورزش زنان کارمند کارگروه هماهنگی ورزش زنان کارمند متشکل از اعضای زن کارگروه‌های موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه تشکیل می‌شود. فعالیت‌های کمیته یادشده زیر نظر کارگروه هماهنگی امور ورزش کارمندان دولت صورت می‌گیرد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ماده ۱۵۴ قانون کار در ارتباط با ورزش کارگران، مصوبه ۱۳۷۰ وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تربیت بدنی آمده است که در کارگاه‌های موضوع این ماده که تعداد کارگران زن شاغل در آنها بیش از مردان شاغل باشد، یک خانم متعهد و آشنا به امور ورزشی زنان به‌عنوان معاون مسئول ورزش کارگاه تعیین خواهد شد. همچنین طبق ماده ۹ انجام همه برنامه‌های ورزشی زنان در کارگاه‌های مربوط می‌بایست در محیط جداگانه و در فضای مناسب انجام پذیرد.

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان به‌عنوان سند مرجع در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و همچنین قانونگذاری در امور فرهنگی و اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ به تصویب شورای انقلاب فرهنگی و نیز در سال ۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. به موجب بخش اول این سند همه دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به اجرای قواعد و اصول مندرج در آن هستند. در این سند به‌طور مشخص به حق

برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت اشاره شده است. بخش سوم این سند به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان پرداخته است. به‌طور مشخص بندهای ۵۳ و ۵۴ این بخش به حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و حضور در میدانی ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی تأکید شده است. در این سند همچنین به حق مشارکت زنان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت‌های آموزشی که امور ورزشی را نیز می‌توان از آن برداشت کرد، اشاره شده است. بنابراین در حوزه قوانین و مقررات محدودیتی برای حضور همه زنان کشور نه تنها در امور ورزشی بلکه در مدیریت آن نیز وجود ندارد. در ادامه توسعه و تدوین قانون و مقررات در امور زنان در سند راهبردی برنامه توسعه پنجم به راهبردهای شفاهی در ترویج و توسعه ورزش همگانی و همچنین توسعه و حمایت ورزش زنان اهتمام به ورزش قهرمانی تدوین شده است. علی‌رغم نبود محدودیت در قوانین و مقررات مربوط به حمایت و توسعه ورزش زنان کشور در عمل به‌سبب نبود ضمانت اجرایی این قوانین و مقررات حقوق زنان در این حوزه آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. برای مثال در حوزه مدیریت ورزش عملاً زنان نقشی نداشته یا اگر حضور داشته‌اند نفر کلیدی سازمان نبوده‌اند، اختیارات لازم و کافی نداشته‌اند و اگر حمایت‌های موردی انجام گرفته، براساس نفوذ شخصی برخی مسئولان بوده است. همچنین اگرچه جایگاه سازمانی معاونت زنان در وزارت ورزش و جوانان ایجاد شده است، در عمل نقش فعال در سیاستگذاری‌ها و تدوین راهبردهای اجرایی در حوزه زنان را در اختیار ندارد. از طرف دیگر، تعداد جایگاه‌های سازمانی مدیریتی ورزشی زنان که در اختیار زنان باشد، با وجود تأکید قانون اساسی در برابری حقوق زنان و مردان در تمام حوزه‌ها بسیار اندک است که این امر می‌تواند ناشی از نبود نگاه مثبت به حوزه زنان در عرصه مدیریت ورزشی در نگاه مسئولان عالی‌رتبه این حوزه باشد.

حق مشارکت زنان در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به‌ویژه در خصوص مسائل زنان، همچنین حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی از ویژگی‌های حقوق اجتماعی است. حق بهره‌مندی از بهداشت محیط کار، حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم از حقوق مندرج در قانون است. با وجود تأکید بندهای ۵۳ و ۵۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم حق پرورش و شکوفایی استعدادها و ورزشی و حضور در میدانی ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی متناسب با موازین اسلامی بدون تأکید بر جنسیت، متأسفانه روند اقدامات انجام گرفته در این حوزه نشان از برخورد سلیقه‌ای مسئولان

وقت با ورزش زنان دارد، ضمن اینکه قوانین نام‌برده از ضمانت اجرایی لازم جهت نظارت و اعمال قانون برخوردار نیست. زنان پس از انقلاب اسلامی ایران شایستگی خود را در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی نشان دادند و در عرصه قضایی هم به دستگاه قضایی کشور ورود پیدا کردند. در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌طور کلی به حوزه‌های آموزش، پژوهش و فرهنگ عمومی پرداخته شده است که به‌طور منطقی شامل امور ورزشی نیز خواهد شد. برای مثال در بند ۷۶ منشور در حوزه آموزشی به ارتقای آموزشی و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش به‌طور مشخص برای زنان اشاره شده است. در بند ۷۸ حق کسب مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی به‌صورت کمی و کیفی تا بالاترین سطوح آمده است. همچنین در بند ۸۲ به حق زنان در مشارکت در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی تأکید شده است.

در بخش فرهنگ عمومی در بند ۷۰ به حق مشارکت در سیاستگذاری، قانونگذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به‌ویژه در خصوص مسائل زنان و در بند پیش‌گفته ۸۲ به حق مشارکت زنان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی اشاره شده است. با رواج مردسالاری، تبعیض و تعصب در محیط قانونگذاری، روح قوانین نیز مردانه شد و کمتر می‌تواند از زن حمایت کند. از نظر برخی از آنها قانون مطابق با جامعه سنتی است و نظام حقوقی بدون تحقیق و توجه عمیق به تجربه زیسته و کنش ارتباطی زنان به تدوین قوانین می‌پردازد. نظام حقوقی به زیست‌جهان و تجربه زیسته زنان کم‌توجه است و از زیست‌جهان زنان تأخر دارد. از نظر آنها بخشی از قانون به نفع زنان است و بخش‌هایی از قانون نیز ناعادلانه است و آن بخشی هم که به نفع زنان تدوین شده است، در ضمانت اجرایی مشکل دارد (۵). از نظر آگاهان اگرچه در شهرهای کوچک و روستاها نیاز به تغییر قانون حس نمی‌شود، ولی در شهرهای مدرن و صنعتی به‌دلیل کسب ارزش‌های جدید توسط زنان، نیاز به تغییر در قانون بیشتر احساس می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان محیط قانونگذاری بیشتر توسط مردان اشغال شده است، قوانین در زمان تصویب از عینک و فیلتر مردانه عبور می‌کنند و ایدئولوژی مردسالارانه و فرودستی زنان در نظام حقوقی نهادینه شده است، بنابراین امید به تغییر سخت ولی ممکن است.

در مقدمه قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون ورزش دانشگاه‌های آسیا که در سال ۱۳۹۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب شده، تأکید شده است که هر فعالیت سازمان‌یافته‌ای که برای هدف توسعه و تقویت برای جوامع آسیایی طرح‌ریزی می‌شود، باید تشویق شده و در جهت توسعه تمام منابع انسانی به‌سوی سلامتی، پویایی و نظم و خدمت به جامعه نسل جوان هدایت شود. در ماده ۴ اساسنامه به هدف فدراسیون که همان تقویت پیوندهای بین‌المللی، قدردانی و تفاهم بین دانشجویان در آسیا و پیشبرد برخی اهداف عمومی است نیز اشاره شده است. در این قانون محدودیتی برای حضور زنان (دانشجو) در همه عرصه‌های ورزشی وجود ندارد و ایران با تصویب این قانون، در حوزه قانونگذاری نشان داده است که این محدودیت وجود ندارد.

راهبرد مندرج در تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص بسته اجرایی وزارت ورزش و جوانان، مصوبه ۱۳۹۱، به ترویج و توسعه ورزش همگانی و توسعه و حمایت از ورزش زنان اشاره دارد. برخی از سیاست‌های اجرایی که در این تصویب‌نامه آمده عبارت است از برنامه‌ریزی عمومی ورزش همگانی و تفریحی و رویکرد حضور بیشتر زنان در ورزش و کاهش فقر حرکتی، زمینه‌سازی فرهنگی در راستای توسعه فضای مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی با تأکید بر فضایل اخلاقی و سلامت عفاف و حجاب، استفاده متناسب در بهره‌برداری زنان از اماکن زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی، توسعه رشته و مواد مسابقاتی ویژه زنان حسب بررسی و مطالعات روزآمد فدراسیون‌های جهانی قاره‌ای و منطقه‌ای و نظام المپیک با اولویت کشورهای اسلامی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌های ملی و جهانی ورزش در تقویت و کارآمدسازی برنامه‌های ورزش زنان.

در نخستین اولویت قانون اولویت‌ها و اقدامات اساسی حوزه فرهنگی ورزش کشور (نظامنامه فرهنگی ورزش کشور)، مصوب ۱۳۹۵ شورای عالی انقلاب به ساماندهی وضعیت رسانه‌های ورزش کشور مانند رسانه ملی، اشاره شده است که شاید تدوین این اولویت در نتیجه ایجاد تبعیض در حوزه پخش ورزش زنان که مانعی برای نمایش آن در رسانه ملی وجود ندارد، بوده باشد. به عبارت دیگر، گمان قوی بر این است که در حوزه اطلاع‌رسانی ورزش زنان کمبودهایی وجود دارد. برای مثال رویکرد رسانه ملی در پخش برخی از رشته‌های ورزشی زنان به‌گونه‌ای بوده که یا اصولاً پخش نشده یا به شکلی پخش شده که کمتر کسی از آن اطلاع یافته است. تکرار این رویکرد، موردی و تصادفی بودن چنین اقداماتی را منتفی می‌سازد، می‌تواند احتمال وجود سیاست واحد در رسانه ملی در این خصوص را افزایش دهد. این اولویت به‌گونه‌ای دیگر در این مصوبه با بیان توسعه و ارتقای کیفی و کمی ورزش زنان و ترویج فرهنگ حاکم بر ورزش زنان کشور

به‌عنوان الگوی مطلوب زن مسلمان در عرصه‌های ورزشی ملی و بین‌المللی از طریق مشارکت سازمان صداوسیما و همکاری نهادهای فرهنگی ذی‌ربط با وزارت ورزش و جوانان تکرار شده است.

بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸ بنا به دلایل متعدد و مختلف، به برنامه‌ریزی در کشور توجهی نشد و در این مدت وضعیت زنان در ایران تغییرات و تحولات اساسی یافت. در خلال دوره‌های مختلف برنامه‌ریزی توسعه پس از انقلاب اسلامی، پرداختن سیاستگذاران به مباحث جنسیتی ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، به‌گونه‌ای که شاید بتوان برنامه‌های اول و دوم توسعه را از لحاظ توجه به مباحث زنان و به‌خصوص خانواده، ضعیف ارزیابی کرد. از علل بی‌توجهی برنامه‌های نخست پس از انقلاب به بحث زنان، به تعویق افتادن اصل برنامه‌ریزی در کشور به مدت یازده سال بود، به‌گونه‌ای که تصویب نخستین برنامه در سال ۱۳۶۸ موجب از دست دادن مدت زمان مؤثر برای شناسایی نیازها و اولویت‌بندی اهداف در ارتباط با موضوعات زنان شده بود. ائتلاف زمان، پیامد دیگری نیز در پی داشت و آن این بود که گویا مشکلات زنان پس از گذشت یازده سال از پیروزی انقلاب اسلامی کماکان همان مشکلات پیش از انقلاب به‌نظر می‌رسید (۹). مسئله مهم در برنامه نخست توسعه پس از انقلاب اسلامی، انباشت گسترده سرمایه نیروی انسانی بود. یکی از موضوع‌هایی که در این برنامه مدنظر قرار گرفت سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت بود. سرفصل‌های عمده‌ای که در برنامه اول توسعه با محوریت زنان به آن‌ها توجه شده، بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی، اعتدالی موقعیت زنان و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده، ارتقا سطح سلامت و کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان و توجه بیشتر به ورزش زنان بوده است (۱۳). با آغاز برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به آغاز فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سایر تشکیلات و سازمان‌های غیردولتی، حرکتی در راستای اثرگذاری در تنظیم خط‌مشی‌های اساسی بخش‌ها آغاز شد. موارد مربوط به زنان در برنامه دوم به‌ترتیب اختصاص امکانات به مسائل تربیت بدنی و پر کردن اوقات فراغت زنان و مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن است. برنامه سوم توسعه با نگرش سیاست‌دار مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه بود، بنابراین نسبت به دو برنامه پیشین توجه به وضعیت زنان به‌گونه‌ای روشن‌تر طرح شد. از نکات اساسی در برنامه سوم توسعه، مقارن شدن آن با راه‌اندازی نهادی به‌عنوان مرکز امور مشارکت زنان بود (۱۵). نکته شایان توجه آن است که نبود تمایز میان دو جنس در برنامه سوم، کاملاً آگاهانه و براساس اصل بی‌طرفی جنسیتی انجام گرفته است. برنامه چهارم هم از نظر حجم مواردی از

برنامه که به زنان اختصاص دارد و هم از نظر رویکرد متفاوت در خصوص مبحث جنسیت مورد توجه است. در این برنامه به برخی موارد، که در آن امتیازات ویژه‌ای برای زنان لحاظ شده، توجه شده است (برنامه چهارم توسعه، ۸۸-۱۳۸۴). زعفرانچی (۹) موضوع زنان و خانواده را در چهار برنامه توسعه بررسی کرد. نتایج نشان داد در برنامه نخست و دوم توسعه در محور زنان، به افزایش سطح سواد عمومی زنان، ارتقای سلامت آنها و برنامه‌های اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان توجه شده است و در برنامه سوم یکی از موارد برنامه، مختص توسعه مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در نظر گرفته شده بود. در برنامه چهارم توسعه نیز به‌رغم درک ضرورت توجه به مسائل زنان و خانواده و گنجاندن پاره‌ای مباحث در این خصوص، از محورهای مهمی نیز غفلت شده است. در برنامه توسعه پنجم جایگاه زنان در شش گروه، از جمله جایگاه زنان در خانواده، جایگاه زنان در اجتماع، امور اقتصادی و معیشتی، میزان توجه به امور فرهنگی، سلامت و آموزش زنان بررسی شد. نتایج حاصل از بررسی جایگاه زنان در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بیان‌کننده آن است که در برنامه‌های توسعه کشور، زنان از وزن و جایگاه شایسته بهره‌مند نیستند. در ادبیات توسعه با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند، تأکید می‌شود که توسعه متعادل و پایدار بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست و حتی مقبولیت و مشروعیت دولت‌ها با میزان مشارکت اجتماعی مردم به‌ویژه زنان سنجیده می‌شود. بخش ۱۷ برنامه توسعه ششم به فرهنگ، هنر و ورزش اختصاص دارد. در ماده ۹۴، دولت مکلف شده است که بخشی از مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش زنان و زیرساخت‌های ورزش به‌ویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد.

امری که می‌تواند ناشی از دیدگاه محدود برنامه‌ریزان بوده باشد، این است که به نقش سازنده و توانمندی زنان کم‌توجه بوده‌اند یا ریشه در نظام نهادی و باورهای اجتماعی برنامه‌ریزان دارد که لازم است به تدریج متحول شود و در راستای دستیابی به توسعه متعادل و پایدار به مشارکت اجتماعی از جمله مشارکت زنان و به‌ویژه زنان روستایی توجه لازم مبذول شود. لازم است پس از وضع قوانین کلی و ختم‌شده، نظارت دقیق بر اجرای آنها انجام گیرد و همچنین نظارت بر هماهنگی قوانین وضع‌شده ضروری به‌نظر می‌رسد. لازم است برنامه توسعه مدام با مشارکت نخبگان صاحب صلاحیت و زنان جامعه مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گیرد و کمبودها و نارسایی‌های آن با استفاده از نتایج پژوهش‌های علمی

برطرف شود تا جایگاه زنان در بطن روند توسعه کشور متناسب با شأن جامعه و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی آن نهادینه شود (۱۳).

تحقیقات در زمینه نبود اعتبار به شکل حقیقی برای ورزش زنان نشان می‌دهد که در گزارش عملکرد سالانه فدراسیون‌ها بخش خاصی با عنوان زنان وجود نداشته است، اما در حال حاضر با وجود تقویم ویژه زنان، آنها ناگزیر از ارائه عملکرد جداگانه در زمینه ورزش زنان هستند. در یکی از بندهای تفاهم‌نامه‌های جدیدی که میان فدراسیون‌ها و وزارت ورزش و جوانان منعقد شده، آمده است که فدراسیون‌ها ملزم به هزینه‌کرد دست کم ۴۰ درصد از اعتبارات سازمان برای ورزشکاران و امور ورزشی زنان و در جهت آماده‌سازی‌ها برای حضور در رقابت‌های قهرمانی آسیا و سایر رویدادهای بین‌المللی‌اند. از سوی دیگر هیأت‌های استانی علاوه بر اعتباراتی که از فدراسیون‌ها دریافت می‌کنند، امکان جذب اعتبار از سایر بخش‌ها و سازمان‌ها و نیز مجوز آموزش رشته‌های مرتبط و کسب درآمد را دارند و می‌توانند از این محل نیز برای حمایت از ورزش زنان و تیم‌داری استفاده کنند. با وجود کمبودهای ملموسی که در حوزه ورزش زنان وجود داشته است، زنان ورزشکار کشور توانسته‌اند از اندک ظرفیت موجود استفاده کنند. کسب نخستین مدال طلای آسیایی زنان در این مسابقات، دریافت چهار مدال نقره در تیراندازی و تکواندو و دریافت شش مدال برنز و برای نخستین بار رکورد ۱۱ مدال آسیایی را به ثبت رساند؛ اما در همین زمان هم برخی کارشناسان ورزشی اعزام کاروان زنان ورزشکار به رقابت‌های آسیایی و المپیک را هزینه‌بر و بی‌نتیجه می‌دانند (۱۶).

دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران

در حدیثی ارزنده از پیامبر (ص) داریم: پروردگارت بر تو حقی دارد؛ بدنت بر تو حقی دارد و خانواده نیز بر تو حقی دارد. در سنت پیامبر ارزش جسم و بدن به حدی است که حق بدن را در ردیف حق پروردگار و خانواده دانسته است. هرچند نگاه مسئولان بلندپایه حکومتی در حوزه بررسی قوانین مرتبط با فعالیت‌های ورزشی زنان نمی‌گنجد، اما از آنجا که ضمانت اجرایی این قوانین با مشکل مواجه است، ممکن است برخی تصور کنند که مسئولان اجرایی کشور که مأمور اجرای این‌گونه قوانین هستند، با تأسی و همسویی با رفتار مسئولان بلندپایه دست به اعمال سلیقه در اجرای این قوانین می‌زنند، اما نگرش و رفتار مقامات بلندپایه حکومت خلاف این برداشت را نشان می‌دهد. بنابراین اگرچه نگرش و رفتار مقامات مسئول و بلندپایه حکومتی و مذهبی برای آن دسته از افراد که به‌نوعی درگیر فعالیت‌های ورزشی زنان هستند و اعتبار ویژه‌ای برای این دسته افراد قائل‌اند، به‌طوری‌که رفتار آنان شاید بتواند تا حدودی این وضعیت را

تعدیل کند، ولی هنوز این کمبودها و تبعیض‌ها مشاهده می‌شود و در عمل خلاف نظر آنان انجام می‌گیرد. در این خصوص نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان بالاترین مقام حکومتی در راستای فراهم کردن فرصت‌های برابر برای ورزش مردان و زنان است. ایشان در دیدار با ورزشکاران در ۳۰ دی‌ماه ۱۳۸۱ فرمودند:

«در مورد ورزش زن‌ها هم اعتقاد من این است که به ورزش زن‌ها حقیقتاً باید اهتمام ورزیده شود. در این باره هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. وقتی فلسفه ما در ورزش این است که من گفتم، یعنی عمومی کردن و بهره‌مندی از نشاط روحی و سلامت جسمی ناشی از ورزش، این دیگر زن و مرد ندارد. فقط این نیست که انسان بخواهد بازوها را پیچیده کند، و بگوید که مثلاً در زن‌ها بازوی پیچیده لازم نیست. ورزش برای سلامتی جسمانی و نشاط روحی است و این در زن و مرد یکسان است. امکانات ورزش زنان را بایستی زیاد کرد. منتها، همان‌طور که گفتم، فرهنگ غلط جهانی تحمیل شده به خیلی از ملت‌ها این است که ورزش زن‌ها حتماً باید با نقاط ضعفی همراه باشد. خوب، همراه نکنید و کاری کنید که زن‌های ما با همان نجابت، متانت، وقار و رعایت حدود اسلامی و شرعی که برایشان مهم است بیایند در رشته‌های مختلف ورزش بکنند.»

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در حوزه توسعه و حمایت از ورزش زنان در بخش قوانین و مقررات مشاهده می‌شود، نیازمند بازنگری اساسی در توسعه ضمانت اجرایی این قوانین است. بنابراین راهکار برون‌رفت از این وضعیت نیازمند بررسی جامع قوانین و مقررات در حوزه ورزشی زنان و اصلاح و بهبود آن به‌ویژه با توجه به الزامات جدید ملی و بین‌المللی در حوزه ورزش زنان نیازمند به‌روزرسانی هستند. بدیهی است که اصلاح و وضع قوانین جدید بدون وجود ضمانت اجرایی از کارآمدی لازم برخوردار نخواهد بود. اگرچه تأکید بسیار بر رعایت حقوق برابر زنان و مردان در همه حوزه‌ها در قوانین جمهوری اسلامی شده است، متأسفانه آنچه در عمل شاهدیم، نابرابری آشکار است. اگرچه ملاک عمل در همه حوزه‌های اداره کشور باید قوانین حاکم بر آن کشور باشد تا از اعمال سلیقه‌های گوناگون تا حدود زیادی جلوگیری شود، ولی با توجه به نبود یا کمبود ضمانت اجرایی در به‌کارگیری این قوانین اغلب شاهد ایجاد تبعیض در حوزه‌های مختلف ورزش زنان از دسترسی

قهرمانان_ورزشی_ http://roshani.blog.ir/1395/05/13811030¹

به امکانات و وسایل گرفته تا اطلاع‌رسانی اخبار مربوط به آنان هستیم. همچنین به‌نظر می‌رسد به‌منظور برطرف کردن این کمبود، قوانین دیگری که به‌صراحت در آنها تفکیک جنسیتی به‌کار رفته، در حمایت از فعالیت‌های ورزشی زنان وضع شده است، در صورتی که مشکل اصلی که همان نبود یا کمبود ضمانت اجرایی قوانین است، هنوز پابرجاست، به‌طوری که وضع دیگر قوانین، هرچند در حمایت از زنان نیز نمی‌تواند بهبود جدی در این امر به‌وجود آورد و نبود ضمانت اجرایی، کارایی قوانین جدید را نیز خنثی می‌سازد. بنابراین در پاسخ به پرسش طرح‌شده در ابتدای مقاله می‌توان این‌گونه پاسخ داد که دست‌کم در حوزه وضع قوانین، زنان ایران برای انتخاب و انجام هرگونه فعالیت‌های ورزشی تا زمانی که در چارچوب موازین اسلامی باشد، هیچ‌گونه منعی وجود ندارد، اما اجرای این قوانین به‌سبب نبود یا کمبود ضمانت اجرایی کارآمد و متناسب، با مشکل جدی روبه‌روست.

منابع و مأخذ

1. Arnd Krüger (2003). Germany, in: James Riordan & Arnd Krüger (eds.): *European Cultures in Sport. Examining the Nations and Regions*. Bristol: Intellect 2003, 57 – 88
2. Ehsani, M, Kouzehchian, H, Keshkar, S. (2015). Investigating and analyzing the preventing factors and participation rate of women in Tehran in recreational and sports activities. *Research on Sport Sciences* 17, 63-87 (Persian)
3. Barforoush, A. (2010). *Soprts magazines content study for fourth quarter of 1388*. Office of studies and media development, deputy of press and information of Ministry of Culture and Islamic Guidance (Persian).
4. Physical Education Organization (National center of management and development of sports of the country) (2005). *Detailed study of development of the championship sports*. 1st Ed., Tehran, Sibesabz Publications.
5. Ghazi Tabatabaei, M., Fathi, R. (2015). The impact of cultural understanding on admission of civil rights laws concerning women. *Journal of Social Problems of Iran*. 18, 305-326 (Persian).
6. Sarrafi, Mozaffar (1992). *Planning theory and development*, Discussion Paper No, 32. Vancouver, UBC School of Regional Planning. World Commission
7. Seydaali Bakhtiari, M. (2012). Women's participation placement in sustainable development of Central Zagros. *Women's News service of Ibanews*, Monday, May 14, 2012; 12:46 (Persian).
8. Shojaei, Z. (2004, a). *Tomorrow's women: lectures and papers proceedings of Zahra Shojaei; Consultant of the President and chief of women's participation affairs*. 2nd volume, Tehran. Roaz-e-No (Persian).

9. Zaferanchi. L.S. (2006). Women and family in four development plan. The Quarterly Journal of Women's Book. 33, 105-107 (Persian).
10. Mousavi Rad. S.T., Farahani. A., Bayat. P. (2015). Prioritization of Women Management Barriers in Sports by Analytical Hierarchy Process (AHP). Applied Research of Sport Management. 5(1), 111-119 (Persian).
11. Shirzad MollaBashi. Sh., Farahani A., Assad M.R. (2014). Factors affecting the women's managerial appointment in the Ministry of youth affairs and sports. Sport Management and Development. 6(1), 37-51 (Persian).
12. Motameni. A., Hemati. A, Moradi. H. (2014). Identifying and prioritizing the barriers for women's sports activities. Sport Management Studies. 6(24), 111-130 (Persian).
13. Afrakhteh. H., Saraei. S. (2013). Women's placement in fourth and fifth five-year development plans of Islamic Republic of Iran. Women's Studies Sociological and Psychological. 11(3), 133-158 (Persian).
14. Tajik Esmaeili, A. (1998). Application of research results; bottlenecks and solutions. Education Research. 8, 8-9 (Persian).
15. Women's participation affairs center (2005). 3rd Development plan law; 1379-1383. Tehran. Rooz-e-No and center of women's affair and family (Persian).
16. Rasekh. N, Sadjadi. SN, Hamidi. M, Khabiri. M. (2015) Design and development of strategic plan for championship sports of Iranian women. Sport Management. 7(3), 309-334 (Persian).

Analytical Study of Iran's Law in Women Sports Activities

Neda Asadi¹ - Farshad Tojari*² - Zinat Nikaein³

1.Lecturer of Sports Management 2.Professor of Sports Management

3.Associate Professor of Sports Management Faculty of Physical Education and Sports Science of Islamic Azad University Tehran

Central Branch, Tehran, Iran

(Received: 2019/05/25; Accepted: 2020/01/28)

Abstract

The purpose of this paper is the study of Iran's law related to the Iranian women sports activities. This study is a descriptive research and the main source of study is the Iran's Law passed from the beginning of the Islamic Revolution till 2016. Studying of the laws shows that in passing the laws, sports activities of the women is not directly mentioned in Constitution of Iran and other laws and legislator only pointed out to the social affairs. As sex segregation is not done in these laws it implies that they are applicable for all people and they are passed for women and men equally. On the other hand the sex segregation is applied in other laws in favor of women which possibly means that these laws are passed due to shortage of the other law's enforcement and existence of discrimination in executing the laws. Hence in regards of the passing the laws it could be concluded that at least there is no main issues however in executing the laws, deficiency is witnessed because of shortage of the laws enforcement that even passing new laws in favor of women could not resulted any extensive improvement in women's sports activities.

Keywords

Enforcement, Law, sex segregation, sports, women

* Corresponding Author: Email: farshad.tojari@gmail.com ; Tel: +989126331464